

هو الله تعالى شأنه العظمة و القدرة و الكبرياء

اشهد الله و ملائكته و انبيائه و اصفياؤه و اوليائه و احبائه و اودائه بانّ تنزيل الآيات من الله مالك الأسماء و الصفات بلغ الى مقام عجز المخلصون عن احصائها و الكاتبون عن تحريرها و أنّها تنزل في الصّباح و المساء و في آناء اللّيل و اطراف النّهار و اتى مع عجزى و عجز ما دونى عن تحريرها كيف اقدر ان اشتغل الى شىء آخر و ازاحم احبّاء الله بكلماتى الّتى لا تغنى و لا تتمر لعمر الله انّ قلبى كان مشتاقاً بذكر احبّاء الله ولكن لن اجد الفرصة لأذكرهم بذكرى الّذى يحكى عنى و يليق لى نفسى لذا اطلب منهم العفو فى كلّ الأحوال ليعف الله عنهم فضلاً من عنده أنّه لهو العفو الغفور

هميشه اوقات قلب و لسان و قلم مشتاقست بذكر دوستان و آقايان ولكن اين عبد فانى بشأنى مشغولست كه فرصت استماع ذكرى او تحرير كلمه نى نميابد لذا اگر در جواب تأخیری شود و يا تعطیلی رود امید عفو است مكاتیب آن جناب بی در پی وارد و چون بطراز ذكر مالك اسماء مزین بود كمال بهجت و انبساط دست داد ولكن از امورات وارده بر آن جناب حزن شدید روی نمود اگرچه فى الحقیقه ملاحظه شود آنچه لوجه الله و فى امر الله و فى سبیل الله و فى رضاء الله وارد شود نعمت باقیه بوده و خواهد بود چه كه هیچ عملی بی مكافات و بی مجازات نبوده و نیست و مكافات اعمال طیبه در كتاب الهی ثبت شده و بدوام ملك و ملكوت باقی خواهد ماند لذا آن جناب باید از امورات وارده محزون نباشند

عریض آن جناب در ساحت اقدس عرض شد هذا ما تكلم به لسان العظمة ای علی قبل اكبر هنگامی كه تلقاء عرش در منظر انور حاضر بودى ملكوت بیان الهی ترا بحكمت امر فرمود باید در كلّ احوال بان ناظر باشی و هر نفسی بآنچه از مبدأ مشیت ظاهر شده عامل شود من غیر فتنه و ضوضاء عباد بآنچه اراده نموده فائز گردد حكمت جوهریست جذّاب هر بعیدی را بمقرّ قرب جذب نماید و هر غریبی را بوطن كشاند نفوسى كه بزخارف دنیا دل بسته اند و بمناصب فانیه مغرور گشته اند متنبّه نشوند و از خواب غفلت بیدار نگردند مگر باسبابی كه حقّ بان عالم است و حكمت مذكوره در كتب و الواح اسّ این اساس بوده و هست انّ ربك لهو العليم الخبير اگر دست قدرت حجاب این مقام را بردارد و ما عند الله مشهود شود كل شهادات دهند كه آنچه از قلم اعلى جارى شد همان محبوب و موصل بمطلوبست قد قرئ كتابك لدى الوجه و اجنباك بهذه الكلمات الّتى بها اشرق شمس علم ربك طوبى لقوم يعلمون و ما يفوز به الا المخلصون انتهى

و آنچه از تبليغ امر مرقوم نموده بودید نسأل الله ان يوفقكم على هذا الأمر العظيم ای حبيب من قلب این فانى بمثابة نار مشتعل است چه كه مشاهده میشود حقّ ظاهر و ملكوت بیان باهر و يوم الله مشهود و مع ذلك نفوسى كه خالصاً لوجه الله ناس را متذكر نمایند و بحق بخوانند مثل اكسير احمر كم ياب مشاهده میشوند كم من ارض باتت من غير زرع و حرث و كم من ارض زرعت و حرثت و باتت من غير ماء و كم من ارض اتى وقت حصادها و لم يكن من حاصد ليحصدها ولكن از بدایع الطاف الهیه و ظهورات عواطف رحمانیه امید هست كه نفوسى باخلاق ملكوتیه ظاهر شوند و بتبليغ امر الله و تربیت من فى العالم مشغول گردند آن جهتی كه سبب و علت جذب قلوب و تطهير نفوس است انقطاع از ما سوى الله بوده طوبى از برای نفسى كه از رحيق بیان الهی سرمست شد و در انجمن عالم بذكر دوست ناطق گشت این مستی بر شعور بیفزاید و هستی در نیستی آورد شرح این مقام را پایانی نه أنّه لهو المبین العليم الحكيم

در هر حال باید دوستان الهی و شاریان رحيق روحانى بحكمت ناظر باشند و به ما انزله الله فى الكتاب متمسك دوستان و محبوبان ارض طاء را از قبل این فانى تكبير برسانید و همچنين مظلومانى كه فى سبیل الله بسجن مبتلا گشته اند هنيئاً لهم دنیا را اعتبارى نبوده و نیست و جميع اعمال معدوم و فانى خواهد شد مگر اعمال نفوسى كه لوجه الله بان قیام نموده اند

آثار آن اعمال از دفتر ابداع محو نخواهد شد باید از بعد کمال مواظبت ملحوظ دارند تا امری که مغایر حکمت است ظاهر نشود چه که در اکثر الواح این فقره نازل و آنچه از قلم اعلی جاری شده آن مؤثر و مطلع اثمار بوده و خواهد بود انشاءالله در جمیع احوال بخدمت امر مشغول باشید و به ما اراد به المقصود متمسک اسامی دوستان الهی که در ورقه آن جناب مذکور بود کل لدی الوجه عرض شد طوبی لهم بما ذکرت اسمائهم فی المنظر الأكبر ثم هنیئاً لهم انّ لهم حسن مآب انشاءالله بر امر الله مستقیم باشند چه که این فقره بسیار عظیمست نه مثل بعضی که بهر ریخی متحرکند و بهر هوائی متبع و بهر نعیقی متوجّه خدمت جمیع از قول این خادم فانی تکبیر منیع برسائید نسأل الله ان یزینهم بأثواب الاستقامة و ینطقهم بثنائه بین البریة انه لهو المقتدر القدير

مخدومزاده مکرم آقا محمد تقی را تکبیر برسائید انشاءالله بتحریر آیات الله همیشه موفق باشند امری محبوبتر از آن نیست خطوطی که خواسته بودند خدمت حضرت غصن الله الأكبر روحی لثراب مقدمه الأطهر فدا عرض شد فرمودند تو خود شاهد و گواهی که از کثرت تحریر الواح الهیه فرصت بالمره مفقود و غیر مشهود است و فی الحقیقه همین است که فرمودند چه که اگر گاهی هم بر سبیل تفرّج بیرون شهر تشریف ببرند الواح همراهست و در آنجا هم مشغول میشوند مشاهده کنید حال از جمیع بلدان و از ارضها و از اطراف این ارض متصلاً عراض میرسد تحریر تنزیل مخصوص است باین عبد و تحریر الواح بحضرت غصن الله الأكبر روحی لحرکه قلمه الفداء فی الحقیقه از قدرت حقّ است که فی الجمله از عهده برمیآئیم و الا بر حسب ظاهر بسیار مشکل بنظر میآید نسأل الله التأيید فی کلّ الأحوال انه لهو المؤید الکریم

عرض کلیّه این عبد آنکه باید آن جناب بکمال سعی و اهتمام در الفت و اتحاد نفوس مشغول باشند اختلافی که در آن ارض واقع شد فی الحقیقه سبب تضعیف امر الله بوده دوستان از آن محزون شدند و دشمنان از آن مسرور گشتند این فقره لدی الله بسیار عظیمست در هر حال باید جمیع بحبل اتحاد متمسک باشند بشأنی که احدی رایحه اختلاف از احبای الهی استشمام ننماید ایوم که سید ایام و سلطان ازمان و اوقات است باید از وجوه مؤمنین بالله نصره رحمن مشاهده شود باری فقره اختلاف سبب حزن کلی شد و عالم را تیره نمود انشاءالله این نار اختلاف بکوثر محبت و اتحاد فانی و معدوم شود تا کل به ما اراده الله فائز گردند البهآء علیکم